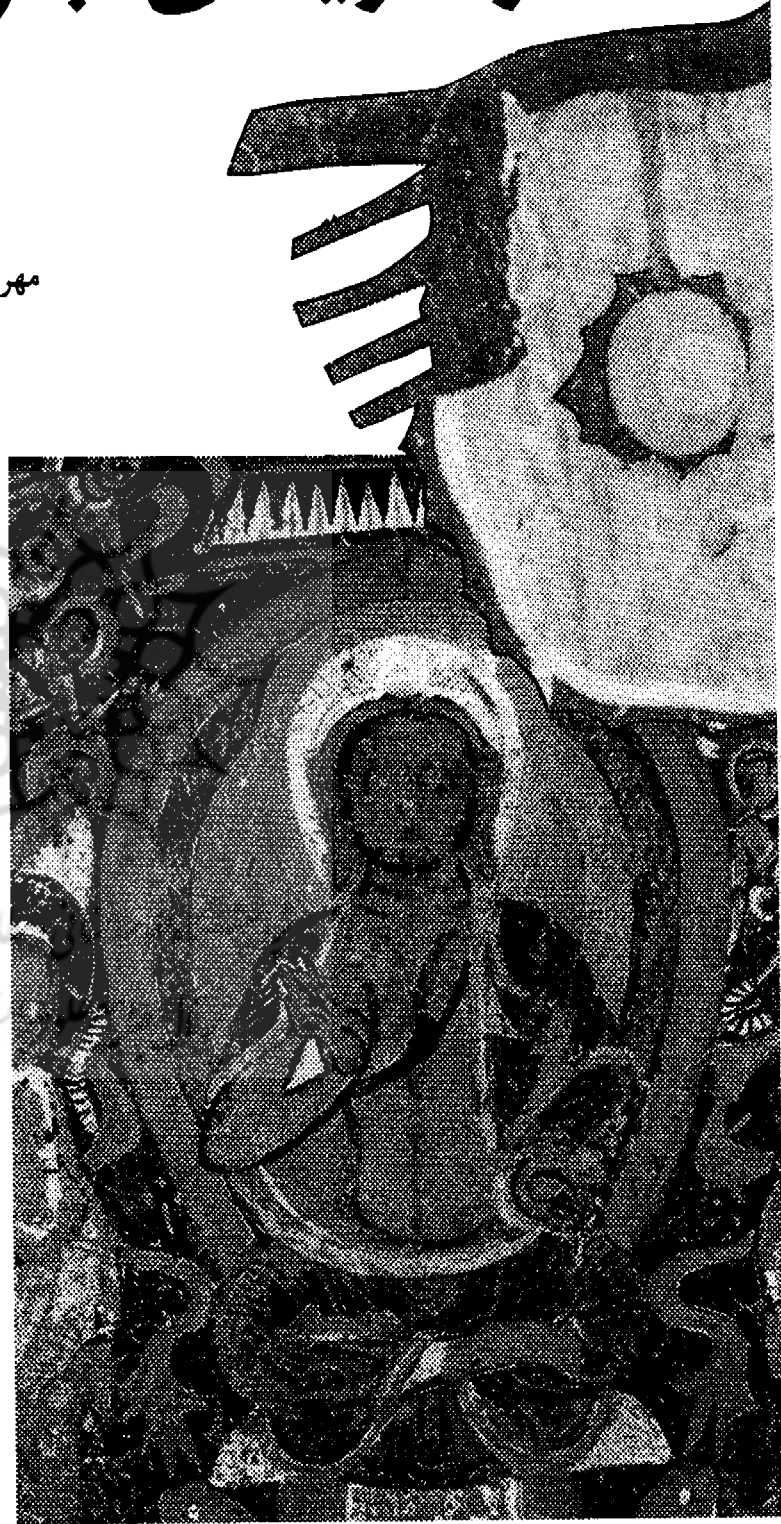


معرفی آیین شمنی در امریکای جنوبی



مهران کندری



شمن در میان قبایل امریکای جنوبی از شأن و مقام والایی برخوردارست. وی مسئولیت خطیری در جامعه محلی به عهده دارد: نه تنها درمان‌گری تمام عیار است بلکه در بعضی نواحی نیز یاور مردگان در سفر به آن سوست، زایش را آسان می‌سازد، روح تازه متولد را تعیین هويت می‌کند، پدیده‌های جوی را در اختیار می‌گیرد و برای مثال رگبار را متوقف می‌کند یا همزادش را به آسمان می‌فرستد تا شهاب‌هایی را خاموش سازند که جهان را تهدید به سوختن می‌کنند؛ با پرهیزگاری و ریاضت آینده را پیش‌گویی می‌کند، جشن‌های دینی و آیین‌های شکار و ازدیاد گیاهان و حیوانات را برگزار می‌کند؛ در مورد خلافکاران به قضاوت می‌نشیند؛ هنگام جنگ درباره شیوه لشکرکشی اظهار نظر می‌کند؛ مراقب است تا منتهیات دینی - آیینی مراعات شوند؛ قبیله را از شر ارواح شر حفظ می‌کند و میانجی میان بشر و پروردگار است. هر چند آیین شمنی، آنچنان که گزارش‌های سده هفدهم و هجدهم نشان می‌دهد، فعالیتی مردانه بوده است، اما امروز شمن بانوان نیز از اعتبار اجتماعی والایی برخوردارند، چنان‌که شمن بانوی آروکانیایی (Arowcanian) به کلی هم‌قطاران مذکر خود را عقب رانده است.

کنش شمن با رییس قبیله تفاوت دارد، اما معلوم شده است که بسیاری از رؤسا، خود، شمنان زبردستی بوده‌اند و این امر به ویژه در میان اقوام توپی - گوارانی (Tupi - Guarani) مشاهده شده است، به همین جهت اینان آیین

خاصی برای استخوان شمنان دارند: پس از آنکه شمنان قدرتمند مردند، استخوان‌هایشان را نگاه می‌دارند تا با آنها مشورت کنند و در مواردی نیز برایشان پیشکشی می‌برند.^۱ بنابراین شمن از میزان شایان توجهی اعتبار و اقتدار در جوامع امریکای جنوبی برخوردار است. فقط اوست که می‌تواند گنجینه‌هایی همچون چاقو، شانه، تیرهای کوچک و غیره را گرد آورد. مردم معتقدند که معجزه نیز می‌کند، معجزاتی که دقیقاً ویژگی شمنی دارد: پرواز جادویی، بلمیدن زغال گداخته^۲ و راه رفتن روی آتش، صحبت کردن با حیوانات و ارواح و غیره.

به طور کلی گزینش شمن در سراسر دنیا به طرق ذیل صورت می‌پذیرد: نخست آنکه ارثی است، از طریق روح نیاکان یا پدر به فرزند منتقل می‌شود؛ دیگر آنکه خودانگیخته است و با پویش مستمر و خواست شخصی به دست می‌آید و یا آنکه ارواح سماوی شخصی را بدین منظور برمی‌گزینند. اما همواره نشانه‌هایی لازم است که جامعه محلی نو آیین را به رسمیت بشناسد؛ از جمله این نشانه‌ها بیماری‌های حاد است.

به هر حال هر شمن واقعی بایستی روشن‌دلی را در وجودش، در درون سرش یا مغزش احساس کند. چیزی را حس کند که همچون آتش پرتو می‌افکند و به او قدرت می‌دهد تا با چشمان بسته در تاریکی ببیند، تا به دیدار امور نهانی، آینده و یا اسرار اشخاص دیگر نائل گردد.^۳

در سرزمین‌های جنوبی این قاره گزینش شمن از طریق فراخوانی خودانگیخته موجودات فوق‌طبیعی صورت می‌پذیرد. بعضی از شمن بانوان آروکانیایی ادعا می‌کنند که برخلاف خواست خویش، روح طبیعت یا وجودی متعالی آنان را مجبور به این کار کرده است. همچنین در چاکوی بزرگ (Gran Chaco) عقیده بر این است که تمام شمنان را روح طبیعت برمی‌گزیند. این روح ناگهانی بر آنان ظاهر می‌شود. فراخوانی با هیچانی غیرعادی، لرزش شدید و سلوک خاص فرد، خود را نشان می‌دهد. در تیرا دل فوئگو (Tierra del Fuego) ارواح محافظانند که گزینش را انجام می‌دهند، اما سرخ‌پوست قبیله بورورو (Bororo) به طرز رازورانه این دستور را دریافت می‌دارد. او برای شکار به میان بوت‌زار می‌رود و در آنجا روحی به شکل حیوان بروی ظاهر می‌گردد و او را بدین امر فرا می‌خواند. برگزیده به عنوان پذیرش تیر و کمان خود را به او می‌دهد و روح ناپدید می‌شود. کسی که بدین‌سان شمن شده است باید بی‌چون و چرا از دستورات روح که روح یاور او نیز هست، پیروی کند.^۴

طبیعتاً شمنان امریکای جنوبی مانند همکاران دیگر خود، در سایر نقاط دنیا، در مقام ساحر نیز عملکرد دارند. شمن می‌تواند به حیوانی مبدل شود و خون دشمنانش را بیاشامد. در امریکای جنوبی اعتقاد به انسان‌گرگ‌شده زواج بسیار دارد.^۵ شمن، چه در زمان حیات و چه پس از مرگ، می‌تواند به یوزپلنگ^۶ یا هر حیوان و پرنده دیگری مبدل شود. برای مثال شمن قبیله ماتاکو (Mataco) روح خود را به شکل پرنده‌ای به دنیای دیگر می‌فرستد، هر چند دیابلرو (Brojo = Diablero = بروجو - ساحر) نیز می‌تواند به هر شکلی که بخواهد درآید:

در این مورد گزارش شده است که دیابلروی به سگی مبدل می‌شد و به خانه سفیدپوستی می‌رفت و پنیر می‌دزدید. سفیدپوست سگ را با تفنگ کُشت و در همان لحظه که سگ می‌مُرد، دیابلرو نیز در کلبه خودش مرد. اقوامش جمع شدند و به خانه سفیدپوست رفتند و از او خون‌بهای او را خواستند و سفیدپوست نیز پول خوبی به آنان پرداخت. با وجودی که می‌گویند دیگر دیابلرو وجود ندارد، اما یکی از اعضای خانواده موظف است آنچه را دیابلرو می‌داند بیاموزد. آنها قوانین خاص خود را دارند و یکی از قوانین این است که دیابلرو باید اسرارش را به یکی از خویشانش بیاموزد.^۷ اما شمن نه فقط ساحر نیز هست بلکه می‌تواند سحری شرور نیز باشد، زیرا توانایی فوق‌طبیعی وی، قدرت جادویی او می‌تواند به طور مثبت یا منفی اثر گذارد. در اینجا، درست مثل حیطه‌های دیگر زندگی جادویی یا دینی، خیر و شر، خوب و بد، دیده می‌شود. ماهیت جادویی شمن که به او نیروی درمان‌گری می‌دهد، وقتی به سوی دشمن نشانه رود، سلاحی کُشنده است.^۸

به‌هر حال شمن امریکای جنوبی مقام جادویی - دینی و اقتدار اجتماعی خود را بیشتر مدیون توانایی‌های جذب‌آور خویش است تا قهرمانی‌هایش در مقام جادوگر. چون توانایی‌های جذب‌آور وی را قادر می‌سازد تا افزون بر حق و ویژه درمان‌گری و سلوک‌های عرفانی در آسمان مستقیماً به دیدار ارباب انواع نایل آید و نیایش بشر را به آنها برساند، اما گاهی اوقات نیز پروردگار به کلبه شرفیاتی شمن فرود می‌آید و با او صحبت می‌دارد و سرانجام وی را به آسمان می‌برد و لحظاتی بعد به زمین باز می‌گرداند. این مورد در میان قبیله ماناسی (Manasi) دیده می‌شود.^۹

شمنان در مقام کاهن نیز عملکرد دارند و مراسم دینی - آیینی را برگزار می‌کنند، همچنان که در بالا ذکر شد میانجی بین بشر و پروردگاراند. درخواست‌های مردم را

نزد وی مطرح می‌کنند و پاسخ‌ها را باز می‌آورند.

در این مورد مثالی است که از گنشی که شمن در مراسم عمومی و ادواری آروکانیان به عهده دارد و هدفش تقویت روابط بین خدا و قبیله است. ماچی (Machi = شمن بانو) در این مراسم نقش اصلی را به عهده دارد. اوست که به حال خلسه می‌رود و روحش را به حضور «پدر آسمان» می‌فرستد برای آنکه آرزوهای جامعه محلی را به عرض وی برساند. این مراسم عمومی است. او در زمان‌های گذشته بالای سکویی می‌رفت که بر روی بوته‌ها برپا شده بود و در آنجا، با نظاره مداوم آسمان، دیدارهای خود را داشت. دو نفر از تماشاچیان نیز کاربردی داشتند که ماهیت شمنی آن بدیهی است: سرشان را با دستمال سفیدی می‌بستند و چهره را سیاه می‌کردند. با پای گشاده بر اسب‌های چوبین می‌نشستند و شمشیرهای چوبین و شلاقشان را در دست نگاه می‌داشتند. این دو یاور، به محض آنکه شمن بانو به خلسه می‌رفت، اسب‌های چوبین را می‌گرداندند و مانند دیوانگان جفجغه‌هایشان را تکان می‌دادند. در خلال خلسه، سوارکاران دیگر با اهریمنان می‌جنگیدند و ارواح شر را می‌رانند. وقتی شمن بانو به خود می‌آمد سلوک خویش به آسمان را وصف می‌کرد و اعلام می‌داشت که پدر آسمان تمام آرزوهای جامعه محلی را برآورده خواهد کرد. کلمات او با فریادهای شادی و شمع عمومی استقبال می‌شد. وقتی غریب شادی فرو می‌نشست مبارزه با اهریمنان، اخراج آنها و وقایع دیگر را برای ماچی وصف می‌کردند.^{۱۱}

می‌بینیم که مراسم عمومی ادواری است و در آن آرزوهای مردم قبیله به وجود متعال، پروردگار آسمان اعلام می‌شود و شمن است که میانجی‌گری می‌کند. توانایی وی در جذب او را قادر می‌سازد که به آسمان صعود کند و رویارو با وجود متعالی صحبت بدارد. عملکرد دینی شمن به‌ویژه در میان آروکانیان به وضوح مشخص است. در اینجا بالا رفتن از سکو، نماد صعود به آسمان است و در میان بعضی از قبایل، نردبان^{۱۱} جایگزین سکو می‌شود.

بعضی از شمنان امریکای جنوبی راهبر روح به دنیای باقی هستند. در قبیله باکایری (Bakiri) سفر به آن‌سو را آن‌قدر مشکل می‌دانند که فکر می‌کنند متوفی به تنهایی نمی‌تواند از عهده برآید و به کسی نیاز دارد که راه را بشناسد، کسی که قبلاً بارها به این سفر رفته است. شمن در یک چشم‌به‌هم‌زدن به مناطق سماوی می‌رسد. باکایری‌ها معتقدند که ارتفاع آسمان برای شمن بلندتر از

ارتفاع خانه نیست.^{۱۲}

تئودور کخ^{۱۳} بر طبق منابع سده هجدهم در اثر خویش آورده است که در قبیله ماناسیکا (Manajica) به محض آنکه مراسم تدفین خاتمه یافت، شمن روح متوفی را به آسمان رهنمون می‌شود. راه بسی طولانی و مشکل است. مسافران آن از میان جنگلی بکر می‌گذرند؛ از کوه بالا می‌روند؛ دریاها و رودها و باتلاق‌ها را پشت‌سر می‌گذارند تا به ساحل رودخانه‌ای عظیم می‌رسند که باید از روی پلی بگذرند که ایزدی مراقب آن است.

عملکرد شمن در امریکای جنوبی به‌ویژه در مقام ساحر - پزشک نمودار می‌گردد و کار وی درمان‌کردن بیماران است. در تمام نقاط دنیا نیز عملکرد اصلی و اساسی هر شمنی، مانند امریکای جنوبی، درمان‌گری است.

شمن امریکای جنوبی خاصیت گیاهان را می‌شناسد. برای درمان از ماساژ استفاده می‌کند و غیره، اما به عقیده وی اکثر بیماری‌ها دلیلی روحی و روانی دارد؛ یعنی به طور کلی عقیده بر این است که یا روح شخص آواره شده و یا قدرت‌های شر، ساحر - دشمن، روح و یا شبحی روح بیمار را ربوده‌اند. این اعتقاد در ناحیه آمازون و سرزمین آند بسی رایج است. به‌ویژه در شمال آمازون شمن در حال خلسه به سرزمین ارواح می‌رود تا از آنها درباره بیماری و چاره آن سؤال کند.^{۱۴} این مورد در سرزمین‌های حاره‌ای امریکای جنوبی کمتر دیده می‌شود و به هر حال در میان تعدادی از قبایل آنجا این اعتقاد رواج دارد. به طور کلی این تصور همراه با فرضیه واردکردن شیء جادویی در بدن بیمار همراه است، تصویری که به نظر می‌رسد بسیار رایج‌تر باشد و می‌بایست روحی که ارواح یا روح شخص مرده‌ای آن را ربوده است پیدا شود. عقیده بر این است که شمن کالبدش را ترک می‌گوید و وارد دنیای زیرین یا سرزمینی می‌شود که رباینده در آن به سر می‌برد، به همین جهت شمن قبیله آپینایو (Apinayo) به سرزمین مردگان می‌رود که از فرط وحشت می‌گریزند، طوری که او می‌تواند روح بیمار را بگیرد و دوباره به جسمش بازگرداند. در یکی از اسطوره‌های قبیله تاولپانگ (Taulipang) از جستجوی روح کودکی سخن رفته است که ماه آن را ربود و زیر یوزه‌ای پنهان کرد. شمن به ماه رفت و پس از ماجراهای بسیار کوزه را یافت و روح کودک را آزاد ساخت. در سرودهای ماچی آروکانیایی گاهی اوقات سخن از بیداری‌های روح است: روحی شر بیماری را مجبور می‌کند روی پلی قدم بزند یا شبحی او را



تسخیر شمن توسط ارواح خانگی می‌انجامد، اما «تسخیر» برای شمن عبارت است از تصرف کلیه «اندام‌های رازورانه» اش که تا حد معینی شخصیت روحانی تمام عیار و حقیقی او را شکل می‌دهد. تسخیر در بیشتر موارد فقط ارواح یاور شمن را در اختیار او می‌گذارد. او حضور آنان را تشخیص می‌دهد و به طریق محسوسی متجلی می‌سازد. این حضور به خلسه نمی‌انجامد بلکه به گفتگویی بین شمن و ارواح یاور منتهی می‌شود. به راستی که واقعیت بسی پیچیده‌تر است، زیرا شمن می‌تواند خود را به حیوانات مختلفی نیز مبدل سازد و گاهی اوقات این پرسش مطرح می‌شود تا چه حد فریادهای حیوانی که در خلال نشست بر زبان آورده می‌شود، به ارواح خانگی تعلق دارد یا معرف مراحل دگرگونی شمن به حیوان؛ یعنی تجلی کشف و شهود شخصیت مرموز و واقعی وی است.^{۱۸}

ریخت‌شناسی درمان شمنی در سراسر امریکای جنوبی تقریباً یکسان است و شامل تدخین تنباکو، سرود، ماساژ ناحیه مبتلای بدن، تشخیص علت بیماری با کمک ارواح یاور و سرانجام بیرون‌کشیدن شیء مولد ناخوشی از طریق مکیدن است. برای مثال ماچی در میان آروکانیان ابتدا به خدا - پدر متوسل می‌شود، هر چند تأثیرات مسیحیت که هنوز ساختار کهن خود را حفظ کرده است، نمی‌تواند نادیده گرفته شود. سپس ماچی به همسر یا معشوقه خورشید و روح ماچی مرده تمسک می‌جوید که در مورد آنها گفته شده است «آنان که در آسمان‌اند و به همکار خود در زمین می‌نگرند». او به درگاه آنان نیایش می‌کند که برای او به پروردگار متوسل شوند. در اینجا به اهمیت درون‌مایه‌های صعود سماوی و سوارکاری در هوا به فن ماچی اشاره می‌کنیم، زیرا به زودی پس از توسل به حمایت و یاری پروردگار و ماچی مرده، شمن بانو اعلام می‌کند که نزدیک است با یاورانش، شمنان نامریی، سوار اسب شود. در خلال نشست، روحش جسمش را ترک می‌گوید و در آسمان پرواز می‌کند.^{۱۹}

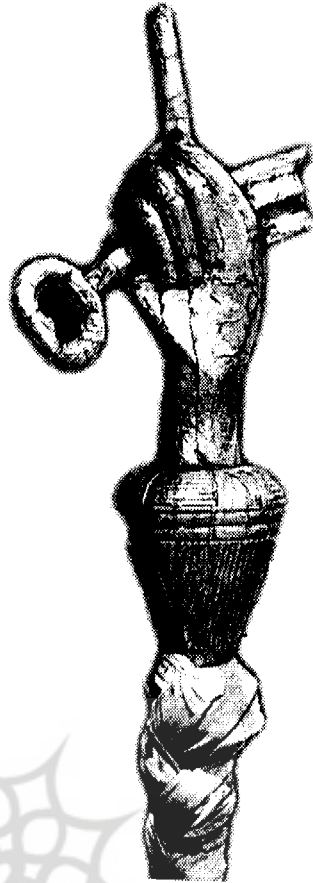
شمنان برای تماس با دنیای فوق‌طبیعی به خلسه می‌روند و در خلال آن یا روح خود را به آسمان می‌فرستند و یا ارواح را فرا می‌خوانند که در این کار وی را کمک کنند.

شمن بانو برای دست‌یابی به عالم خلسه وسیله‌ای ابتدایی را به کار می‌گیرد: رقص یا در واقع حرکت دست‌ها که با همراهی جفجغه صورت می‌پذیرد. وی در حال

می‌ترسند. در بعضی موارد ماچی در عوض آنکه به جستجوی روح رود، التماس می‌کند که روح باز گردد و خویشانش را به یاد آورد. در مکان‌های دیگر نیز چنین است.^{۱۵} اما در قبیله تاولیپانگ هنگام درمان‌کردن بیمار، سایهٔ ساحر بالا می‌رود و روح یکی از ساحر - پزشکان مرده بیمار را فرا می‌خواند که درمان را اجرا کند.^{۱۶}

سلوک جذبه‌آور شمن به منظور درمان‌گری، گاهی اوقات نیز به شکل ناهنجار صعود سماوی روی می‌دهد که هدف و مفهومش فراموش شده است. از این روست که گفته شده «برای بیمار تاولیپانگی گاهی اوقات ثمر درمان بستگی به مبارزهٔ میان همزاد شمن و ساحر دارد». شمن برای دستیابی به سرزمین ارواح محلولی را می‌نوشد که از گیاهی بالارونده ساخته شده است، گیاهی که به شکل نزدبانی است. نمادگری نردبان دال بر معنای صعودی خلسه است، اما معمولاً ساحران و ارواحی که روح‌ها را می‌ربایند در مناطق سماوی به‌سر نمی‌برند. در اعتقادات شمن قبیلهٔ تاولیپانگ، نیز مانند بسیاری از موارد دیگر، آشفته‌گی عقاید دینی دیده می‌شود که مفهوم ژرف آنها از بین رفته است.^{۱۷}

کلاً سکوت جذبه‌آور شمن ضروری است. حتی وقتی بیماری ناشی از ربایش روح توسط اهریمنان یا اشباح نباشد، خلسهٔ شمن قسمتی از درمان‌گری را شکل می‌دهد. هر تفسیری که شمن در مورد آن بکند، همواره جذبه‌اش وسیله‌ای است که علت بیماری را درمی‌یابد و به مؤثرترین درمان پی می‌برد. خلسه گاهی اوقات به



غیره. مردم عقیده دارند که زخم خود به خود بسته می‌شود، ولی درمان عادی مستلزم شکافتن ظاهری بدن نیست، بلکه محل بیماری را می‌مکند؛ منظور بخشی از بدن است که روح نشان داده و گاهی اوقات تا آن حد مکیده می‌شود که خون بیرون می‌زند. به احتمال زیاد ما با فن نابهنجاری در اینجا سروکار داریم: بدن نوآیین را به طرزی جادویی می‌شکافتند تا به او اندام‌های درونی جدیدی را بدهند و تولد دوباره او را موجب شوند. درمان آروکانیایی تعویض اندام‌ها و بیرون‌کشیدن شیء مولد بیماری با یکدیگر آمیخته است، بی‌تردید به این دلیل که مرگ و تجدیدحیات، نوسازی اندام‌های درونی، در حال ناپدیدشدن بوده است.^{۲۱}

هرچه باشد این عمل جادویی در سده هجدهم همراه با خلسه‌ای جمودی بوده است. شمن چنان می‌افتاد که گویی مرده است. در خلال خلسه نام ساحری را از او می‌پرسیدند که بیماری را موجب شده بود و غیره. امروزه نیز شمن‌بانو به همان صورت به خلسه می‌رود، اما این حال بلافاصله پس از شکافتن بدن صورت نمی‌گیرد. در بعضی موارد هیچ اثری از هیچ‌گونه عملکرد جادویی نیست، فقط مکش است که پس از خلسه و طبق دستوراتی که ارواح داده‌اند، اجرا می‌شود. به هرحال مکش و بیرون‌کشی مولد بیماری، عملکردهای جادویی - دینی باقی ماندند زیرا در اکثر موارد شیء مولد بیماری، در ذات خود، فوق طبیعی است و ساحر یا شیطان یا یکی از مردگان به طرزی نامرئی آن را وارد بدن کرده است. شیء فقط تجلی دریافتنی مرض است که این دنیایی نیست. بی‌شک شمن را ارواح خانگی او و هم‌قطاران مرده‌اش و حتی پروردگار کمک می‌کنند. ضوابط جادویی ماچی را پروردگار دیکته می‌کند. شمن یامانا (Yamana) نیز از مکیدن برای درمان استفاده می‌کند و هم‌زمان نیز به نیایش متوسل می‌شود. تا زمانی که روح یاورش وی را تسخیر کرده، بی‌حس است، اما این بی‌حسی به وضع شمنی او تعلق دارد، زیرا می‌تواند پای برهنه بر روی آتش بازی کند و ذغال‌های گداخته را قورت بدهد. خلاصه آنکه آیین شمنی در امریکای جنوبی هنوز تعدادی از ویژگی‌های فوق‌العاده کهن را نشان می‌دهد: مرگ آیینی و تجدیدحیات، جای دادن مواد جادویی در بدن نوآموز، صعود سماوی با این هدف که آرزوهای جامعه محلی در برای خدای متعال مطرح شود، درمان‌گری با مکیدن عضو مبتلا به مرض، جستجو برای یافتن روح، سلوک جذب‌آور شمن به عنوان راهبر روح به دنیای باقی، سرودهای سری که پروردگار یا حیوانات، به‌ویژه پرندگان به شمنان

رقص شمن‌بانوان سماوی را خطاب قرار می‌دهد و از آنها می‌خواهد که به او یاری رسانند. وقتی به حالی رسید که نزدیک بود بی‌هوش بر زمین افتد، دست‌هایش را بلند می‌کند و به دور خود می‌چرخد. مردی جلو می‌رود که نگذارد بر زمین افتد. سرخ‌پوست دیگری نیز شتابان می‌آید و رقصی را اجرا می‌کند که هدفش به خود آوردن شمن است. خلسه با تاب‌خوردن در بالای تردبان مقدس به دست می‌آید. در خلال مراسم استفاده فراوانی از تنباکو می‌شود. ماچی پُکی می‌زند و دودش را به سوی آسمان، به سوی پروردگار می‌فرستد و می‌گوید من این دود را به تو پیشکش می‌کنم، اما تنباکو در تحصیل جذب‌ه کم نمی‌کند. طبق گزارش‌های مسافران اروپایی سده هجدهم درمان شمنی شامل قربانی کردن گوسفند نیز می‌شود. شمن قلب آن را که هنوز می‌تپد، بیرون می‌کشد. امروزه فقط جراحی در حیوان قربانی کافی است ولی اکثریت مشاهده‌کنندگان قدیم و جدید هم‌رأی هستند که ماچی تماشاچیان را با چشم‌پندی وامی‌دارد یقین کنند که او شکم بیمار را می‌شکافتد و اندرونه و جگر را نشان می‌دهد، اما طبق گزارش پدر هاوسه (Housse) به نظر می‌رسد که ماچی بدن مبتلا به مرض را می‌شکافتد، درون آن را دست می‌زند و چیزی از آن بیرون می‌کشد. سپس علت بیماری را برملا می‌سازد: سنگ‌ریزه، کرم، حشره و

پانویست:

1. W. Krikeberg, Trimborn; Werner; Müller; Zerries, Die Religionen des afkten Amerika, W. Kohlhammer Verlag, Stuttgart, 1961. S.375.
2. Mircea Eliade. Shamanism: Archaic Techniques of Ecstasy, Bollingen Series LXXVI, princetion University press , second printing, 1974, P,324.
3. Stephen Larsen . The shaman's Doorway, Harper and Row, N.Y. 1977, p . 77.
- 4 . Die Religionen ..., S. 370.
- 5 . Shamanism, P. 324.
- 6 . Die Religionen... S.371.
- 7 . Carlos Castaneda. The Teachings of Don Juan, a Yaqui way of Knowledge, Berkeley, Calif, University of California press, 1968, P. 3 - 4.
- 8 . Die Religionen ..., S. 375
- 9 . Shamanism, P. 324.
- 10 - همان . ص . ۳۲۵.
- 11 . Karl von Steiner. Unter den Natur VÖlkern Zentral Braziliens; Reiseschilderung und Ergebnisse der Zweiter schengu - Expedition , 1887 - 1888 , Berlin, 1896 , P. 357.
- 12 . Shamanism, P. 326
- 13 . T. Koch Zum Animismus der Sudamerikanischer Indianer, IAE , Suppl. X III , 1990, S. 129.
- 14 . Die Religionen ... , S. 373
- 15 . Shamanism, PP. 327 - 328
- 16 . Die Religionen ... , S. 373
- ۱۷ . همان . ص . ۳۲۷ - ۳۲۸
- ۱۸ . همان . ص . ۳۲۸ - ۳۲۹
- ۱۹ . همان . ص . ۳۲۹
- ۲۰ . همان . ص . ۳۳۰
- ۲۱ . همان . ص . ۳۳۱ - ۳۳۲
- 22 . Die Religionen ... , S. 373
- 23 . Shamanism, P. 333 , 335

می‌آموزند، قدمت فوق‌العاده فنون معین و اعتقادات شمنان امریکای جنوبی را نشان می‌دهد.^{۲۱}

قدرت جادویی به عنوان جوهر اسرارآمیزی وصف می‌شود که نوآیین در کالبدش دارد، اما ظاهراً این قدرت را از طریق ارواح نیز می‌تواند به دست آورد و به نوبه خود به اشخاص دیگر دهد. در مورد قدرت جادویی از کریستال و خار نام می‌برند که در بدن شمن است. نقش اساسی تجلی این قدرت به‌ویژه در کریستال کوهی است که برای مثال شمن قبیله کوبوا (Kobua) در سر نوآیین می‌گذارد و اعتقاد بر این است که مغز و چشم‌ها را می‌خورد و در عوض با مواد مؤثری جای آنها را می‌پوشاند. از سوی دیگر کریستال کوهی را روح نیز می‌پندارند. برای مثال کاریب‌های ساکن در ساحل رود باراما (Barama) هر دسته از ارواح را با نوعی سنگ نشان می‌دهند و تملک آن سنگ‌ها به شمن قدرت می‌دهد تا با آن طبقه از ارواح تماس برقرار کند.^{۲۲}

مسئله خاستگاه شمن‌گرایی در امریکا هنوز حل نشده است. احتمالاً در طی زمان سلسله آداب و اعمال معین و جادویی - دینی به اعتقادات و اعمال ساکنان اولیه افزوده شده است. به هر حال باید خاطر نشان سازیم که تمام این عناصر فرهنگی؛ یعنی جستجو برای یافتن روح، حرکت کلبه شمنی، تکلم بطنی، حمام بخار، قدرت مقاومت در برابر آتش، مرگ آیینی و تجدیدحیات [تکه‌تکه کردن اعضای بدن و جایگزین کردن آن] و غیره خاص امریکای جنوبی نیست و در سایر نقاط نیز دیده می‌شود. اما نقش آتش و حرارت در آیین شمنی امریکای جنوبی از اهمیت خاصی برخوردار است. آتش و گرمای عرفانی همواره در ارتباط با دستیابی به حال جذبه‌آور معینی بوده است. و همین ارتباط در کهن‌ترین طبقه جهانی جادو و دین مشاهده شده است. استادی بر آتش و مقاومت در برابر حرارت و از آن رو حرارت عرفانی که غایت سرما و گرمای ذغال‌های گداخته را تحمل پذیر کنند، فضیلتی جادویی - دینی است که همراه با کیفیت‌های شگفت‌انگیز دیگر، مانند صعود و پرواز جادویی، بارزترین نشانه برای آن است که شمن از حال و وضع بشری فراتر رفته و در وضع و حال ارواح سهیم است.^{۲۳}

ویژگی‌هایی که در مورد شمنان ذکر شد به مناطق خاصی که آیین شمنی بر زندگی دینی جامعه محلی مسلط است، تعلق ندارد بلکه در بسیاری از نقاط دیگر جهان؛ از جمله در سیبری، استرالیا، اقیانوسیه، جنوب شرقی آسیا و به ویژه چین کهن یافت شده است.